

بررسی وجه تسمیه سوره‌های قرآن

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۵

حسن مجیدی؛ استادیار دانشگاه حکیم سبزواری
سمیه مسعودی‌فر؛ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

چکیده

قرآن کریم، دریای ژرف و بی‌کران معانی و مفاهیم و بهترین راهنما و هدیه الهی برای راهنمایی و هدایت بشریت، در بیان معانی و مفاهیم خود از ترتیب و نظم خاص و ویژه‌ای برخوردار بوده، به جزءها و سوره‌هایی تقسیم‌بندی شده است. این کتاب آسمانی، ۱۱۴ سوره داشته و هر یک از این سوره به نامی مسمی است که بیان‌کننده محتوا و غرض اصلی آن سوره است و از خلال نام هر سوره می‌توان مهم‌ترین و برجسته‌ترین موضوع و هدف آن سوره را دریافت و درک نمود. نامگذاری سوره قرآنی به گونه‌ای است که می‌توان بسیاری از این سوره را بر اساس یک نظم و ترتیب مشخص و هماهنگ دسته‌بندی نمود و هر سوره را در دسته‌ای خاص قرار داد، همچون نامگذاری سوره به حروف مقطعه که می‌توان سوره‌های طه، یس و ... را در این دسته جای داد و نیز دسته‌بندی بر اساس نام انبیاء و بزرگان دین، نام حیوانات و

در این مقاله برآنیم تا با بهره‌گیری از روش تاریخی - تفسیری به بررسی اسامی برخی از سوره قرآنی پرداخته و علت نام‌گذاری آنها را بازگو نماییم.
کلید واژه‌ها: قرآن، سوره، نام، محتوی، ارتباط.

قرآن عظیم الشان، دستورالعمل بی‌همتا و جاودان رب‌العالمین و بهترین راهنما و هدایت‌گر انسان در طول زمان‌ها و ادوار، از تمام مسائل در باب زندگی بشریت سخن به میان آورده و بسیاری از مشکلات و مسائل بشر را حل و فصل نموده است. در پرتوی تعلیمات این کتاب آسمانی، تاکنون بسیاری از قوانین علمی به اثبات رسیده و جنبه‌های اعجازی آن نمایان گشته است.

از آنجا که قرآن کریم بر اساس نظم و ترتیب خاص و هدفمندی نازل گشته، لذا به سوره‌هایی تقسیم شده و هر یک از این سوره به نامی مسمی است که ارتباط تنگاتنگ و بسیاری با محتوای اصلی آن سوره دارد، به گونه‌ای که از خلال نام بسیاری از سوره می‌توان به محتوا و غرض اصلی آن سوره پی برد.

پیشینه پژوهش

این موضوع تاکنون مورد توجه چندی از بزرگان قرار گرفته و در این باب کتب زیادی نگاشته شده است از جمله: کتاب پژوهشی در تاریخ قرآن کریم اثر محمدباقر حجتی، آشنایی با علوم قرآنی اثر رکنی یزدی، البرهان فی علوم القرآن اثر بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع اثر محمد حسین طباطبایی، دائرة المعارف قرآن اثر عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی و ...، با وجود نگاشته شدن این کتب؛ اما تاکنون مقاله مستقلی در این موضوع انجام نشده است.

قرآن، کتاب آسمانی

"قرآن که معجزه جاویدان پیامبر اسلام است، کتاب شناخت و معرفت است. کتاب انسان سازی و تربیت بشر است. کتاب اندیشه و تفکر و تدبیر و خداشناسی است. کتاب بشارت و انذار، وعد و وعید است. کتاب تاریخ سازنده است. کتاب سازنده تاریخ است. کتاب هدایت و راهنمایی است... و سخن خداوند است و پیام آسمانی او."^۱

این قرآن، معجزه‌ای است که تمامش از آغاز تا انجام، از باء بسم الله تا سین والناس حرف به حرف و کلمه به کلمه توسط فرشته خدا بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده، بر دل پاکش نقش بسته، از دو لب مبارکش صلی الله علیه و آله جاری شده و امروز از پس چهارده قرن، ما آن را همان‌سان دربرداریم که به زمان گیرنده وحی، یاران گرامیش دریافت داشته‌اند، تواترش قطعی و تلاوتش عبادت.^۲

قرآن کریم معجزه بی‌بدیلی است که هر زمان به اقتضای درک و معرفت بشری به گونه‌ای رخ می‌نماید و گوهر نابی است که برای اهل دل و عرفان، جانشین و هم‌آوردی ندارد. راز ماندگاری و طراوت همیشگی قرآن در چهره‌های گوناگون اعجازی آن است که می‌تواند در همه اعصار و امصار، تفوق علمی و هنری خویش را به رخ بکشد. بی شک آنچه باعث گشته تاکنون رقیبی برای قرآن یافت نشود، شایستگی ذاتی آن است. حفظ و جاودانگی این کتاب تنها از آن رو نیست که آسمانی است و هر روز مؤمنان آن را تلاوت می‌کنند و یا عبارات و کلمات آن سینه به سینه و دست به دست از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است؛ بلکه بیش از هر چیز به خاطر آن است که در همه دوره‌ها پاسخگوی نیازها و خلاءهای معنوی و اجتماعی بشر بوده است. یکی از دلایل این امر، قابلیت تفسیرپذیری بی‌نهایت قرآن است. قرآن را می‌توان هر روز جور دیگر دید و پس از هر بار سیراب شدن از چشمه زلال آن، لذت تازه‌ای احساس کرد و نکات تازه‌تر و ناب‌تری کشف کرد، می‌توان در یک آیه و بلکه در یک کلمه آن فرورفت و غرق شد.^۳

"این قرآن به تدریج، در مدت ۲۳ سال در شرایط گوناگون و طبق نیاز، نازل شد."^۴

کلام الهی - قرآن کریم - به اسامی و عناوین متعددی نامبردار است، برای معرفی و شناخت بیشتر آن، بهتر است به نقل و بیان نام‌ها و اوصافی که خود قرآن بیان داشته است بپردازیم؛ چرا که هر یک از این نام‌ها به مناسبتی خاص و ویژه برگزیده شده و دربردارنده خصایص این کتاب آسمانی است. برخی برای قرآن ۹۰ نام و بعضی دیگر ۵۵ نام بیان کرده‌اند؛ اما این گفتارها قابل خدشه

هستند؛ چرا که بعضی‌ها این اسامی و اوصاف را به هم آمیخته و بین اسامی و صفات قرآن فرق نگذاشته‌اند.^۵

به دلیل نام‌ها و اوصاف فراوان ذکر شده برای قرآن کریم و نیز به منظور آشنایی بیشتر با آن، در بخشی از این مقاله به بیان مهم‌ترین این اسامی می‌پردازیم:

۱. قرآن: معروف‌ترین نام این کتاب آسمانی، قرآن است و اسم خاص (علم) آن است که در نخستین سوره‌های نازلۀ مانند مَزَّمْل ذکر شده: ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾ و در سایر سوره‌ها نیز مکرر به همین معنی آمده است. بنابراین از آغاز نزول وحی به همین نام خوانده شده،^۶ نام قرآن در آیات الهی ۵۸ مورد به کار رفته است از آن موارد می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾ (حشر: ۲) اگر ما این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم مشاهده می‌کردی که کوه از ترس خدا خاشع و ذلیل و متلاشی می‌گشت.
﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِیدٌ﴾ (بروج: ۲۱) بلکه این کتاب، قرآن بزرگوار الهی است.^۷

در رابطه با وجه تسمیه و علت نام‌گذاری این کتاب آسمانی به قرآن نظرات گوناگونی از جانب پژوهشگران بیان شده است. عده‌ای بر این باورند که: قرآن به معنی جمع و گردآوری است و چون قرآن، گردآورنده ثمرات کتب پیشین آسمانی است، آن را قرآن نامیده‌اند.^۸ عده‌ای دیگر هم معتقدند: قرآن مشتق از «قرء» به معنی قرائت و پیرو هم آوردن و خواندن است و چون قاری قرآن به هنگام تلاوت آن، حروف و کلمات آن را به دنبال هم می‌آورد، قرآنش نامیده‌اند. بنابراین قرآن، مصدری است به معنی مفعول، یعنی تلاوت شده و چنانکه کتاب به معنی مکتوب است، قرآن نیز به معنی مقروء است.^۹

۲. کتاب: این نام از جمله رایج‌ترین نام‌های قرآن کریم است، که اولین مرتبه در سوره بقره، آیه دوم به کار رفته است. این کلمه در قرآن ۲۷۰ مورد به کار برده شده است.^{۱۰} از جمله در آیات:
﴿ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۲): این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست، [و] مایه هدایت تقوایبشگان است.^{۱۱}

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ﴾ (اسرا: ۹) این قرآن کتابی مبارک و عظیم الشان است که بر تو نازل کردیم.^{۱۲}

کلمه کتاب، مصدری است که به معنی مکتوب (اسم مفعول) به کار می‌رود و به صفحاتی که بر آن چیزی نوشته باشند و همچنین به «کلام الله» هر چند نوشته نباشد اطلاق می‌شود.^{۱۳}

کلمه کتاب در اصل لغت به معنی گرد هم آوردن است و هر نوشته‌ای را از آن جهت کتاب می‌نامند؛ چون حروف و کلمات در آن گرد هم آمده‌اند،^{۱۴} اینکه حق تعالی قرآن را «کتاب» نامیده، برای این است که تمام دانش‌ها، داستان‌ها و خبرها، با رساترین وجه، در آن گردآوری شده‌است.^{۱۵}

۳. فرقان: از نام‌های دیگر این کتاب مقدس «فرقان» است که این نام هفت بار در قرآن به کار رفته،^{۱۶} مصدری است که به معنی اسم فاعل به کار می‌رود، یعنی «فرق‌گذارنده، جداکننده». قرآن مجید چنانکه آیاتش نشان می‌دهد جداکننده حق از باطل و بیان موجبات سعادت و شقاوت انسان است، بدین جهت فرقان نامیده شده و سوره ۲۵ که در آیه نخست آن «فرقان» آمده به این نام خوانده شده:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان: ۱) بزرگ و خجسته است کسی که بر بنده خود فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.^{۱۷}

۴. ذکر: در لغت به معنی یادآوری آنچه انسان در حافظه دارد، حاضر شدن چیزی به دل یا بر زبان (ضد نسیان و غفلت) و نیز یکی از اسامی قرآن است که در چند آیه آمده: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹) و بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.

﴿و هَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ (الانبياء: ۵۰) و این [کتاب] - که آن را نازل کرده‌ایم - پندی خجسته است. آیا باز هم آن را انکار می‌کنید؟

تلاوت کلام الله موجب تذکر و یادآوری حق و حقیقت و بیرون آمدن خواننده از غفلت است و وجه تسمیه قرآن به «ذکر» به همین مناسبت است. شایان توجه اینکه بنابر آیاتی از سوره قمر، قرآن وسیله‌ای آسان برای پندگیری و یادآوری است: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ (قمر: ۱۷) و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم، پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟^{۱۸} برای اینکه قرآن لبریز از پند و موعظه و رویدادهای امت گذشته است که بیان این رویدادها خود پند است.^{۱۹} علاوه بر این نام‌های ذکر شده که مهم‌ترین نام‌های کتاب آسمانی است، نام‌ها و اوصاف بسیار دیگری نیز بیان شده است که در این مجال فرصتی برای بیان و یادآوری تمام آنها نیست.

معنی سوره

"قرآن یگانه پیام آسمانی است که اصالت خود را در گذشت تاریخ نگاه داشته و راه دراز تاریخ را به سلامت و شایستگی پیموده و از گزند هر گونه آفات و دستبرد زمان در امان مانده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹) این پیام به گونه‌ای پراکنده و در مناسبت‌های گوناگون بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده است و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بر کاتبان وحی بازخوانده و آنان این پیام آسمانی را نوشته‌اند. سپس آن نوشته‌ها - که بند بند و آیه آیه بوده - گرد هم آمده و با دستور پیامبر صلی الله علیه و آله هر چند آیه، یک سوره را تشکیل داده‌است. مجموعه سوره‌ها - که ۱۱۴ سوره است - نام «مُصْحَف» به خود گرفته‌است.^{۲۰} درباره معنای لغوی و اصطلاحی لفظ سوره میان صاحب نظران و علما اختلاف نظر وجود دارد که در اینجا به ذکر چندی از این نظرات می‌پردازیم.

معنی لغوی سوره

با توجه به اختلافی که در منشأ اشتقاق این واژه وجود دارد، معانی گوناگونی برای آن ذکر شده، که هر یک از این معانی با سوره قرآن وجه مناسبت و هماهنگی دارد:

۱. سوره بدون همزه در لغت به سه معنی آمده است: شرف و منزلت، پایگاه بلند و رفیع را سوره نامند و نیز به معنی بنای بلند و زیبایی است که سر به آسمان کشیده باشد. علاوه بر این، عرب باره و دیوار شهرها را سورالمدينة نامیده، چه دیوار شهرها بلندتر از خود شهر بوده است^{۲۱} و چون سوره قرآن پیرامون آیاتی را احاطه کرده و آنها را گرد هم و به صورت واحدی درآورده و نیز همچون باره شهر، بلند مرتبت و رفیع است، آن را سوره می‌نامند.^{۲۲}

۲. سوره از سوار است که معرب دستواره = دستبند است و چون سوره قرآن مانند دستواره‌ای آیاتی از قرآن را در برگرفته است سوره نامیده شد.^{۲۳}

۳. برخی آن را مخفف و تسهیل یافته سُورَه و مهموز می‌دانند که عبارت از نیمخوره و باقی مانده آشامیدنی در ظرف است و چون سوره قرآن قطعه و قسمتی از آن است بدین جهت سوره‌اش نامیده‌اند، لیکن به منظور تسهیل در تلفظ، همزه آن را حذف کردند و به صورت سُورَه درآمد.^{۲۴}

۴. سوره از «تَسَوَّرُ - تصاعد و ترکیب» است و از کلمه تسوروا در آیه ﴿إِذ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾ (ص: ۲۱) همین معنی اراده شده است و چون سوره‌های قرآن به روی هم قرار گرفته‌اند لذا آنها را سوره می‌نامند.^{۲۵}

معنی اصطلاحی سوره

سوره در اصطلاح یک فصل از قرآن کریم را می‌گویند که دارای آغاز و پایان است و حد فاصل آن دو بسم الله الرحمن الرحیم است. تعداد معینی از آیات قرآن که مجموعاً دارای اسم خاص هستند، سوره نامیده می‌شود حداقل آیات در یک سوره، ۳ آیه (کوثر) و حداکثر آیات در یک سوره ۲۸۶ آیه (بقره) است.^{۲۶}

معنای سوره قرآنی را با معنی آن در لغت پیوستگی و وابستگی خاصی است؛ زیرا سوره قرآن چون سخن خدا است دارای شرف و منزلت و پایگاه بلند و رفیع است و یا اینکه قرائت هر سوره‌ای موجب بلندی مرتبه و برتری منزلت قاری آن می‌شود و یا از این نظر که چون دژ بلند

بالا و غیر قابل نفوذ و رسوخی است و همچون باروی شهر که بر همه شهر و هر چه در آن است احاطه دارد، سوره نیز گرداگرد آیه‌ها را فراگرفته و آنها را به هم پیوسته و در برابر هر باطل و مکابره‌ای حصن حصین و جاودانه‌ای برپا ساخته است و یا بسان کاخ پر جلال و شکوه و با عظمت و پر هیمنه‌ای است که هر دانشمند متفکری را به شگفتی انداخته و هر نابغه و داهیه بخردی را به اعجاب واداشته است.^{۲۷}

پس از آشنایی مختصر با لفظ سوره، معنای لغوی و اصطلاحی آن و نیز ارتباطی که میان این معنای لغوی و اصطلاحی است، به بررسی نام‌های سوره‌های قرآن می‌پردازیم و وجه تسمیه آنها را بررسی می‌نماییم، که البته پیش از آن باید برایمان نمایان گردد که این اسامی که اکنون در اختیار ماست چگونه و توسط چه کسی انتخاب شده‌اند.

اسامی سوره‌ها؛ توقیفی یا اجتهادی

پیش از آنکه بخواهیم درباره اسامی سوره‌های قرآنی و وجه تسمیه آنها و ارتباط این اسامی با اغراض و موضوعات آنها بحثی داشته باشیم، باید به این مبحث بپردازیم که این اسامی از سوره‌های قرآن که اکنون به ما رسیده، توقیفی است و یا اجتهادی؟ در این باره میان علما اختلاف نظر وجود دارد.

منظور از توقیفی بودن اسامی سور قرآنی این است که این اسامی با صلاحدید شخص پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص شده است و غرض از اجتهادی بودن این اسامی این است که این اسامی نه به صلاحدید شخص پیامبر، بلکه به جهت مناسبت‌های گوناگون و توسط صحابه و علما بر سوره‌ها نهاده شده است.

در صورتی که توقیفی بودن این سوره‌ها ثابت شود و معلوم گردد که دست حکمت الهی در تعیین آنها نقش داشته است، آنگاه می‌توان به دنبال کشف اسرار و رموز اسامی قرآن به کاوش پیرامون رابطه اسم سوره و غرض آن پرداخت؛ اما اگر نام‌گذاری سوره‌ها توسط صحابه یا علما بوده باشد

و آنها نیز با کمترین مناسبتی اسامی سوره‌ها را انتخاب می‌کرده‌اند دیگر وجهی ندارد که به دنبال حکمت و سری در این میان بگردیم.^{۲۸}

سزاوار است که در تخصیص هر سوره‌ای که به نامی نامیده شده است نظری دقیق بیفکنیم و شکی نیست که اعراب در بسیاری از نام‌گذاری‌هایی که از اسم‌ها به عمل می‌آورند، چه نادر و کمیاب باشد و چه مبالغه آمیز، مراعات می‌کنند که در آن نام، طبیعت و صفتی باشد تا خواننده یا بیننده درک کند که آن نام‌های انتخابی از آن اسم‌ها گرفته شده است. مثلاً جمله‌ای که در عبارت یا قصیده بیشتر مشهور و معروف است، آن را برای نام آن قصیده یا آن عبارت انتخاب می‌کنند و این رویه را هم در انتخاب اسم‌هایی برای سوره‌های قرآن رعایت کرده‌اند.^{۲۹}

از سخنان زرکشی - صاحب کتاب *البرهان فی علوم القرآن* - برمی‌آید که نام‌گذاری سوره‌ها تنها برای تسهیل در یادآوری و تعیین سوره‌ها در ذهن مخاطب است و این نام‌گذاری به تناسب نکته عجیب و منحصر به فرد و یا تکرار یک بحث در سوره است به گونه‌ای که در دیگر سوره‌ها بدان حد به آن نپرداخته باشد. البته زرکشی به توقیفی بودن اسامی سوره معتقد است و می‌گوید اسامی سوره‌ها هر چند متعدد باشند باز هم توقیفی به شمار می‌آیند و اگر این اسامی صرفاً به دلیل وجود اندک تناسبی انتخاب شده باشند، هر فرد زیرکی می‌تواند از هر سوره، معانی بسیاری استخراج کند و اسامی متعددی بر آن بگذارد؛ اما در نام‌گذاری توقیفی سوره‌ها، توسط شارع مقدس رعایت عادت و عرف عرب شده است نه رعایت حکمت و اعجاز و بنابراین نباید در ورای اسامی سوره‌ها به دنبال رازها و رمزهای ناگشوده باشیم.^{۳۰}

گروه زیادی از مفسران و قرآن‌پژوهان معتقدند که اسامی سور مانند سایر جنبه‌های آن به توقیف شرعی بوده و توسط خداوند انجام گرفته است و اسامی سوره‌ها نیز یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن است و بخشی از هدایتگری قرآنی را به عهده دارد. از این رو به جای آنکه به سادگی از نام‌های سور بگذریم و تعیین آن‌ها را به کثرت استعمال یا روش عرب واگذاریم، بهتر است در معانی آن‌ها

و ارتباطشان با معانی و مقاصد سوره‌ها تفکر کنیم و راز و رمزهای آن‌ها را بگشاییم. آنان برای اثبات توقیفی بودن اسامی سوره‌ها به چند نکته اشاره می‌کنند:^{۳۱}

۱. توجه و اهتمام پیامبر اکرم در جلوگیری از تحریف قرآن: "اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کلیه شئون قرآن کریم و دقت زائد الوصفی که ایشان برای جلوگیری از تحریف قرآن و دخالت ندادن دست بشری در آن داشتند مانع از آن می‌شود که آن حضرت به سادگی اجازه دهند که هر کسی هر نامی که خواست بر سوره‌های قرآن بگذارد. چنانچه علامه طباطبایی گفته‌اند: بسیاری از این نام‌ها در عصر پیغمبر پیدا شده و در زمان ایشان بر زبان‌ها جاری شده باشد بی شک حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر این اسامی نظارت داشته و به اقتضای ﴿مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ وَ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ جز بدانچه رضایت خدا در آن بوده، رضایت نمی‌داده است. به کارگیری و استعمال این اسامی توسط وجود مبارک پیامبر بنا بر روایات متعدد بخصوص روایات شأن نزول حاکی از آن است که نام سوره‌ها توقیفی است و اگر قرار بود باب اجتهاد در اسامی سور باز شود هر فرقه‌ای بنا بر عقاید و میل و سلیقه خویش نامی را برای سوره‌های قرآن برمی‌گزید در حالی که هم اکنون اجماع قاطعی از سوی امت اسلامی بر اسامی سوره‌ها وجود دارد. بنابراین اصل اولی در اسامی سوره‌ها توقیفی بودن است و خلاف آن نیاز به دلیل قطعی و خلل ناپذیر دارد.^{۳۲}

۲. تفاوت قائل شدن میان نام اصلی سوره و صفات آن‌ها: "نکته مهم دیگر این است که باید بین اسم اصلی سوره و صفاتی که هر سوره بدانها متصف است و در روایات ذکر شده، تفاوت قائل شد؛ مثلاً سوره شصت و دوم قرآن «الملک» نام دارد. گرچه در روایات به المنجیة، الواقیة، المانعة هم نامیده شده است؛ اما این اسامی در واقع صفات و خواص سوره هستند نه اسم اصلی. علاوه بر این باید بین اسامی واقعی و اصلی سوره‌ها و اسم‌هایی که برخی مسلمین برای سهولت یادآوری به کار برده‌اند نیز تفاوت قائل شد؛ مثلاً به سوره «قدر» سوره «إنا أنزلناه» هم گفته شده و یا به

سوره «الانسان» سوره «هل أتی» هم می‌گویند. گرچه این گونه استعمالات در روایات وارد از ائمه علیه السلام هم مشاهده می‌گردد؛ اما همه اینها برای معرفی و یادآوری است نه نام‌گذاری.^{۳۳}

۳. نامگذاری سور با روش بدیع و ابتکاری: برخلاف آنچه گفته‌اند که قرآن در نامگذاری سوره‌ها از روش جاری عرب استفاده کرده است باید گفت قرآن در تسمیه سور از روشی بدیع و ابتکاری سود جسته است و بسیاری از اسامی سوره‌ها برای اعراب مأنوس نبوده و تعجب آنها را برمی‌انگیخته است و چنان نیست که بگوییم سوره هود را به علت اینکه قصه «حضرت هود» در آن آمده است یا قصه هود در آن مفصل تر است هود نامیده‌اند؛ زیرا داستان «حضرت موسی» در سوره‌های طه، قصص و اعراف آمده است و در این سوره‌ها نیز قصه او مفصل تر از جاهای دیگر آمده است؛ اما هیچ یک از این سوره‌ها به نام موسی نام‌گذاری نشده است. همچنین قصه آدم در سوره‌های متعددی یاد شده؛ ولی هیچ سوره‌ای به نام او نیامده و نیز قصه «اسماعیل ذبیح» که از بدیع‌ترین جریان‌ها است در سوره الصافات آمده؛ اما این سوره به نام او نام‌گذاری نشده است. یا قصه «داود» فقط در سوره صاد آمده؛ اما این سوره به نام او نیست.^{۳۴}

در صفحات بالا اعتقاد آقای زرکشی را مبنی بر اینکه در انتخاب اسامی سور قرآن شیوه جاری اعراب اجرا شده یادآور شدیم، به این معنی که همانطور که آنها در نامگذاری شعرها و خطبه‌های خود از کلمات و الفاظی استفاده می‌کردند که بیشترین کاربرد و استعمال را در اشعار و یا متن خطب‌شان داشته است، در باب سور قرآنی نیز این امر رعایت شده است؛ اما از طرف دیگر با بررسی اسامی سوره‌های قرآن می‌توان دانست که این امر طبق عقیده کسانی که معتقد به آن هستند، به گونه‌ای نبوده که همیشه رعایت شود و به عنوان یک اصل و امر مهم در نامگذاری سور قرآن در نظر گرفته شود و تمام نامگذاری‌ها بر اساس این امر انجام شود، چرا که بسیاری از نام‌های سوره‌های قرآن برای اعراب ناآشنا بوده و اعراب هیچ گونه الفت و آشنایی با آنها نداشته‌اند از جمله نامگذاری بسیاری از سور به حروف مقطعه که کاملاً برای اعراب ناآشنا بوده است، بنابراین از خلال این سور می‌توان دائمی بودن کاربرد روش جاری اعراب را در انتخاب نام

سور رد کرد، که این مسأله همانطور که قبلاً ذکر شد خود می‌تواند دلیلی برای توقیفی بودن اسامی سور قرآن باشد.

۴. نامگذاری سور به امور بی اهمیت و کم ارزش: نام‌گذاری برخی سوره‌ها به نام حیوانات مانند بقره، عنکبوت، النمل، النحل، یا به نام کفار و منافقین اگر بر اساس سلیقه و خواست گروهی از مسلمانان بود و تأیید الهی را همراه نداشت بی شک با مخالفت بسیاری از صحابه و تابعین مواجه می‌شد. بخصوص که برخی از این اسامی به ظاهر با شأن کتاب الهی و مقدس سازگار نیست و قدری سبک به نظر می‌رسد؛ اما از آنجا که همه صحابه به الهی بودن این اسامی ایمان داشتند هیچ یک لب به اعتراض نگشودند و احدی از تابعین درصدد تغییر آنها برنیامد.^{۳۵}

درست است که درباره توقیفی بودن یا نبودن اسامی سور میان علما اختلاف نظر وجود دارد؛ اما با مطالب و ادله ارائه داده شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که اسامی سور قرآنی از سوی خالق هستی به پیامبر بزرگوارش الهام شده و اکنون به ما رسیده‌است، بنابراین توقیفی است؛ چراکه هیچ یک از صحابه در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این اسامی اعتراضی نکرده‌اند و هیچ یک از مسلمانان تا به امروز تلاشی در جهت تغییر این نام‌ها ننموده‌اند؛ چرا که همگی معتقدند اسامی سور الهی است.

بررسی وجه تسمیه سور قرآنی

از آنجا که هر اسمی بر مسمای خود دلالت داشته و باید بین اسم و مسمای رابطه و علاقه‌ای نزدیک وجود داشته باشد برخی مفسران تأکید می‌نمایند که اسامی سوره‌های قرآن ارتباط عمیق و محکمی با مقصود و غرض اصلی سوره داشته و اصولاً اسم سوره آینه تمام‌نمای اغراض آن است، یا حداقل نام سوره درباره مسأله‌ای است که اکثر آیات آن سوره درباره آن سخن می‌گویند.^{۳۶}

هر یک از ۱۱۴ سوره قرآن مجید نام یا نام‌هایی دارد که از صدر اسلام رایج بوده و در مصاحف ثبت شده است. این نام‌ها طبق رسم عرب در نام‌گذاری خطبه‌ها و قصاید متناسب با محتوای

سوره یا کلمات چشمگیر در آن یا الفاظ ابتدای سوره است و مایه امتیاز و مشخص شدن سوره از یکدیگر می‌شود.^{۳۷} بدون تردید، تازیان در مورد بسیاری از اشیاء و امور، موضوع نادر و یا شگفت انگیز و جالب آن اشیاء و امور را مد نظر قرار داده و آنرا ملاک نام‌گذاری قرار می‌داده و می‌دهند، لذا مجموع خطبه و سخن، یا قصیده طولانی را به همان چیزی نام‌گذاری می‌نمایند که بیش از هر چیزی در آن سخن و قصیده، مشهور و جالب توجه است. سوره‌های قرآن نیز به همین منوال و روال نام‌گذاری شده است.^{۳۸}

اگر در نام سوره قرآن بررسی و تحلیل کنیم می‌توانیم به این نظر دست یابیم که بعضی از سوره‌های قرآن را می‌توان به صورت کلی دسته بندی نمود و چند سوره را در یک دسته گنجانند که ما در اینجا به بیان بعضی از این دسته‌ها و وجه تسمیه آنها می‌پردازیم، البته بعضی از سوره در این دسته بندی‌ها گنجانده نمی‌شوند که آنها را نیز یادآور می‌شویم:

۱. نام شماری از سوره‌ها از حروف مقطعه‌ای است که در آغاز آنها آمده است،^{۳۹} حروف مقطعه کلماتی هستند که در ابتدای بعضی از سوره‌های قرآن کریم آمده است که در هنگام تلفظ، حروف به هم نمی‌چسبند، بلکه نام هر کدام به تنهایی ذکر می‌شود،^{۴۰} حروف مقطعه اشارت‌های رمزی به اسراری است بین خداوند قرآن و آورنده آن - حضرت محمد صلی الله علیه و آله - که جز کسانی که امین وحی الهی اند بدان راه نمی‌یابند؛ زیرا اگر اطلاع بر مراد و مقصود از این حرف‌ها برای غیر آنان ممکن بود از ابتدا نیاز به رمزی گفتن آنها نبود،^{۴۱} از جمله این سوره‌ها:

۱.۱. سوره طه: محتوای این سوره بیشتر سخن از مبدأ و معاد می‌گوید و نتایج توحید و بدبختی‌های شرک را برمی‌شمرد. در بخش اول: این سوره اشاره کوتاهی به عظمت قرآن و بخشی از صفات جلال و جمال پروردگار است؛ بخش دوم: که بیش از هشتاد آیه را دربرمی‌گیرد، از داستان موسی سخن می‌گوید، از آن زمان که به نبوت مبعوث گردید و سپس با فرعون به مبارزه برخاست و پس از درگیری‌های فراوان با دستگاه فرعون، مبارزه با ساحران و ایمان آوردن آنها، خداوند به صورت اعجاز‌آمیز فرعون و فرعونیان را در دریا غرق کرد و موسی و مؤمنان را رهایی

بخشید، بعد ماجرای گوساله پرستی بنی اسرائیل، درگیری هارون و موسی را با آنها بیان می‌کند در سومین بخش: بخش‌هایی درباره معاد و قسمتی از خصوصیات رستاخیز آمده‌است؛ در بخش چهارم: سخن از قرآن و عظمت آن است و در بخش پنجم: سرگذشت آدم و حوا را در بهشت و سپس ماجرای وسوسه ابلیس و سرانجام هیوط آنها را در زمین توصیف می‌کند و بالاخره در آخرین قسمت نصیحت و اندرزهای بیدارکننده‌ای برای همه مؤمنان بیان می‌دارد که روی سخن در بسیاری از آن به پیامبر اسلام است،^{۴۲} این سوره به نام سوره حکیم هم یاد شده است و نام دیگرش هم سوره کلیم است،^{۴۳} از آنجا که این سوره دربردارنده پند و اندرز برای مؤمنین است به نام حکیم و چون راجع به داستان حضرت موسی سخن گفته به نام کلیم نامیده شده‌است، که کلیم نیز از القاب حضرت موسی است.

۲.۱. سوره یس: این سوره «قلب قرآن» هم نامیده شده است،^{۴۴} در حدیثی از پیامبر اسلام می‌خوانیم: **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَ إِنَّ قَلْبَ الْقُرْآنِ يَسُ**: هر چیز قلبی دارد و قلب قرآن یاسین است^{۴۵} و همچنین این سوره به «ریحانة القرآن» هم معروف است،^{۴۶} همچنین این سوره را «مدافعه» و «قاضیه» نیز نامیده‌اند؛ زیرا هر بدی را از خواننده خود دفع می‌سازد و هر حاجتی که دارد، برآورده می‌نماید^{۴۷} و نیز سوره‌های ص و ق نیز از جمله سوری هستند که با حروف مقطعه نام‌گذاری شده‌اند.

۲. در چند سوره، نخستین کلمه آن مورد عنایت قرار گرفته و نام سوره شده،^{۴۸} همچون سوره‌های:

۱.۲. **الصَّافَّاتُ**: در آیه اول، خداوند به فرشتگان به صف کشیده شده، یا به صفوف منظم پیکارگران و مجاهدان، یا پرندگان منظم و به صف کشیده در پرواز، یا صفوف نمازگزاران، سوگند یاد کرده است،^{۴۹} خود لفظ **الصَّافَّاتُ** به معنی به صف کشیده‌ها است و لذا به دلیل سوگندهایی که خداوند در ابتدای سوره یاد نموده است این سوره مبارک به این نام خوانده شده است.

۲.۲. الذّارِیّات: به معنی پراکنده‌کنندگان است. خداوند در ابتدای این سوره همانند سوره الصافات که به گروه‌های مختلف به صف کشیده شده، سوگند یاد نموده است، به فرشتگان دارای این صفت و یا بادهایی که گرد و خاک و یا ابرها را پراکنده می‌کنند قسم و سوگند یاد نموده است، که با این سوگند می‌توان وجه تسمیه این سوره را دریافت.

۳.۲. عَبَسَ: یعنی «چهره در هم کشید و عبوس و ترشرو شد» نامگذاری آن به این نام، به تناسب نخستین آیه سوره است.^{۵۰}

این آیات احتمالاً نشان می‌دهد خداوند کسی را در آنها مورد عتاب قرار داده به خاطر اینکه فرد یا افراد غنی و ثروتمندی را بر نابینای حق طلبی مقدم داشته است؛ اما اینکه شخص مورد عتاب کیست؟ در آن اختلاف نظر است:

مشهور در میان مفسران عامه و خاصه این است که: عده‌ای از سران قریش مانند عتبه بن ربیعہ، ابوجهل، عباس بن عبدالمطلب و جمعی دیگر خدمت پیامبر بودند و پیامبر مشغول تبلیغ و دعوت آنها به سوی اسلام بود و امید داشت این سخنان در دل آنها مؤثر شود (و مسلماً اگر این گونه افراد اسلام را می‌پذیرفتند، گروه دیگری را به اسلام می‌کشاندند و هم کارشکنی‌های آنها از میان می‌رفت و از هر جهت به نفع اسلام بود)، در این میان «عبدالله بن أم مکتوم» که مرد نابینا و ظاهراً فقیری بود وارد مجلس شد و از پیغمبر تقاضا کرد آیاتی از قرآن را برای او بخواند و به او تعلیم دهد و پیوسته سخن خود را تکرار می‌کرد و آرام نمی‌گرفت؛ زیرا دقیقاً متوجه نبود که پیامبر با چه کسانی مشغول صحبت است، او آن قدر کلام پیغمبر را قطع کرد که حضرت ناراحت شد و آثار ناخشنودی در چهره مبارکش نمایان گشت و در دل گفت: این سران عرب پیش خود می‌گویند: پیروان محمد نابینایان و بردگانند و لذا از عبدالله روی برگرداند و به سخنانش با آن گروه ادامه داد. در این هنگام آیات فوق نازل شد(و در این باره پیامبر را مورد عتاب قرارداد).

شان نزول دومی که برای آیات فوق نقل شده این است که این آیات درباره مردی از بنی امیه نازل شده که نزد پیامبر نشست، در همان حال عبدالله بن أم مکتوم وارد شد، هنگامی که

چشمش به عبدالله افتاد خود را جمع کرد، مثل اینکه می‌ترسید آلوده شود، قیافه درهم کشیده و صورت خود را برگردانید، خداوند در آیات فوق عمل او را نقل کرده و مورد ملامت و سرزنش قرار داده‌است.^{۵۱}

این سوره سوره عتاب و ملامت است از اینکه ثروتمندان را بر ضعفا و مساکین مؤمن مقدم بدانند. سوره با یادی از مراحل خلقت انسان و نعمت‌های خدا و حیات در زمین و سپس قیامت و چهره‌های خندان و اندوهگین در آخرت، ادامه و پایان می‌یابد، نام دیگرش سوره «اعمی» (نابینا) است.^{۵۲} دلیل اینکه نام دیگرش اعمی است این است که عبدالله بن ام مکتوم که وارد مجلس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شد نابینا بوده است.

۳. نام بعضی از سوره‌ها به اسامی پیامبران است،^{۵۳} سوره‌هایی همچون: سوره یونس، سوره یوسف، سوره ابراهیم، سوره نوح، سوره هود، سوره محمد صلی الله علیه و آله که نام دیگر این سوره «قتال» است. چرا که عنصر بارز جنگ با کفار و فرمان موضع‌گیری قاطع در برابرشان، از پیشانی این سوره انقلابی آشکار است.^{۵۴}

هر یک از این سوره‌ها که به نام یکی از پیامبران نام‌گذاری شده، مشتمل بر شیوه زندگی و اعمال و کارهای آن پیامبر بزرگوار است به همین جهت به نامشان نام‌گذاری شده‌اند، البته علاوه بر پیامبری که سوره به نامش نام‌گذاری شده است به بیان زندگی تعداد دیگری از پیامبران نیز است، از همین روی هم زرکشی در کتاب *البرهان* خود سؤالاتی را مطرح نموده و به تبع برای این سؤالات جواب‌هایی هم بیان شده است که ما در اینجا این سؤالات و جوابهایشان را بازگو می‌کنیم:

زرکشی می‌گوید: اگر بگوئید در سوره هود نام نوح، صالح، ابراهیم، لوط، شعیب و موسی هم ذکر شده پس علت چیست که فقط نام این سوره را سوره هود نهاده‌اند؟ در صورتی که داستان نوح در این سوره، بیشتر و طولانی‌تر از حکایت هود آمده است. به این اشکال جواب داده‌اند، گرچه در سوره اعراف، هود و شعراء، داستان پیامبران بیشتر از سوره‌های دیگر ذکر شده است؛ ولی در هیچ

یک از این سه سوره نام هود مانند سوره هود تکرار نگردیده؛ زیرا در سوره هود در چهار موضع نام «هود» آمده است و تکرار نام هم خود بهترین و محکم‌ترین دلیل برای نام‌گذاری است. اگر گفته شود که در سوره هود نام نوح شش بار ذکر شده است، پس چه علتی دارد که این سوره را سوره نوح نام نهاده‌اند؟ به این ایراد جواب داده می‌شود: چون سوره‌ای جداگانه به داستان نوح و پیروان او اختصاص یافته، لذا این سوره را دیگر سوره نوح نگفته‌اند و بهتر آن دیدند که نام نوح بر سوره‌ای نهاده شود که متضمن داستان او باشد.^{۵۵}

پس با این گفتار می‌توان به این نتیجه دست یافت که علت نام‌گذاری این سوره‌ها به هر یک از این پیامبران به این جهت است که ذکر نام و توصیف زندگی این پیامبر که سوره به نامش نام‌گذاری شده نسبت به سایر پیامبران مطرح شده در سوره بیشتر و گسترده‌تر است. ۴. بعضی از سوره‌ها نیز به نام شخصیت‌های بزرگ دینی نام‌گذاری شده است که جزء پیامبران نبوده‌اند؛ اما جزء شخصیت‌های بزرگ دینی هستند که از آنها در قرآن به بزرگی یاد شده است، از جمله:

۱.۴. سوره لقمان: سوره به نام لقمان حکیم است و در آیات ۱۲ تا ۲۰ موعظه‌های حکیمانه‌ای را از لقمان به پسرش بیان کرده است، که درباره خدا و دین و برخورد انسانی با مردم و میانه روی در رفتار است. در مجموع، این سوره پیام توحید و حکمت و معرفت و معاد را بیان می‌کند و فطرت بشری آدمیان را مورد خطاب قرار می‌دهد تا از طریق توجه به نعمت‌های الهی، به شناخت و اطاعت او گردن نهاده و به سعادت ابدی برسد.^{۵۶}

۲.۴. سوره مریم: در این سوره داستان مریم و ولادت عیسی علیه السلام و یادی از انبیاء دیگر و آیاتی مربوط به دین و آخرت و توحید و شرک بیان شده است،^{۵۷} از آنجا که موضوع برجسته در این سوره، داستان زندگی حضرت مریم و ولادت حضرت عیسی و سخن گفتن ایشان در گهواره بوده لذا به این نام نامیده شده است.

۵. دسته دیگری از سوره ها نیز به نام گروه‌های مختلف اجتماعی و یا به نام قبیله خاصی نام‌گذاری شده‌اند، از جمله:

۱.۵. سوره آل عمران: به نام خاندان آل عمران که عبارت می‌شود از عمران و همسرش و مریم و عیسی. عمران پدر حضرت مریم بود.^{۵۸} نام سوره آل عمران در تورات «طیبة» است،^{۵۹} از آنجا که در این سوره مبارک، عهد مادر حضرت مریم یعنی همسر عمران مبنی بر اینکه فرزند خود را در خدمت خداوند درآورد بیان شده است و همچنین به بیان مختصری از زندگانی حضرت مریم و الطاف و نعمت‌هایی که خداوند به ایشان عطا می‌نموده است و پس از آن نیز به بیان ولادت حضرت عیسی و سخن گفتن ایشان در گهواره می‌پردازد و در واقع بخش کوچکی از زندگی هر یک از افراد خاندان عمران را بازگو نموده است لذا به این نام یعنی آل عمران نامیده شده است.

۲.۵. سوره کهف: یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سوره، داستان قیام جمعی از جوانان با شخصیت، بر ضد طاغوت و دجال زمان خود بود، قیامی که جان آن‌ها را به خطر افکند و تا سر حد مرگ پیش رفتند؛ اما خدا آن‌ها را حفظ کرد.^{۶۰}

به این سوره، سوره «اصحاب کهف» هم گویند. بیهقی خبری به طور مرفوع از ابن عباس نقل می‌کند که در تورات این سوره «حائله» نامیده شده است؛ زیرا این سوره بین یاران و خوانندگان خود و آتش مانع و حجابی می‌کشد.^{۶۱}

۳.۵. سوره کافرون: نزول این سوره در پی آن بود که بعضی از مشرکین، از پیامبر می‌خواستند که مدتی بت‌های آنان را عبادت کند تا آنها هم خدای محمد را بپرستند. سوره، مسلمانان را از سازش بر سر اصول اعتقادی و مبانی بنیادی مکتب بر حذر می‌دارد. به این سوره عبادت هم گفته شده است.^{۶۲} در این سوره کلمات برائت و بیزارای از آنچه مشرکان می‌پرستند تکرار می‌شود و این که فرستاده خدا هرگز به بتان ایمان نخواهد آورد تا بدین گونه خط یکتاپرستی به صورتی آشکارا

از خط شرک جدا شد،^{۶۳} شاید علت نام‌گذاری این سوره به عبادت این باشد که مشرکین پیامبر را به عبادت بت‌ها دعوت نموده‌اند و پیامبر اکرم نپذیرفتند.

۵.۵. سوره مؤمنون: این سوره نیز به صورت گروهی تمامی مسلمانان را مورد خطاب قرار داده است و ویژگی‌های آنان را بازگو نموده است، کسانی که زکات می‌پردازند و به عهد و پیمان خود وفا می‌کنند و نماز به پای می‌دارند و چون این گونه همه مؤمنان را مورد خطاب قرار داده است و به آنها بشارت بهشت داده به این نام خوانده شده است، چرا که با مخاطب قرار دادن مؤمنان آغاز شده است.

حسنا

۶.۵. سوره قریش: نام قبیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، این سوره از لحاظ معنایی با سوره قبلش، یعنی سوره مبارکه فیل ارتباط دارد، در سوره فیل خداوند داستان فیل سواران ابرهه را بازگو می‌کند که قصد ویران کردن خانه خدا را داشتند؛ اما خداوند آنها را نابود کرد و از بین برد. در این سوره خداوند بیان می‌دارد که نابود کردن فیل سواران ابرهه به خاطر این بوده که قبیله قریش بهتر و بیشتر خدا را بشناسند و با هم انس و الفت بگیرند، همچنین به خاطر ایجاد انس و الفت میان قبیله قریش، این سوره به ایلاف به معنی الفت دادن هم نامیده شده است.

۶. برخی دیگر از سور قرآنی به نام بعضی از پدیده‌های طبیعی نام‌گذاری شده و خداوند در بسیاری از این سور به این پدیده‌ها سوگند خورده است، از جمله این سور:

۱.۶. سوره شمس: در این سوره خداوند علاوه بر خورشید، به ماه، روز، شب، آسمان و زمین و... قسم یاد می‌کند؛ اما چون ابتدای سوره با قسم به خورشید آغاز شده به این نام خوانده شده است، از طرف دیگر خداوند در سوره‌های جداگانه به ماه و شب و روز قسم خورده است، در سوره قمر به ماه و در سوره لیل به شب و در سوره ضحی به روز قسم خورده است.

۲.۶. سوره نجم: در ابتدای سوره به ستاره که فرود آید و غروب کند قسم خورده است، برخی هم مراد از «نجم» را ستاره فروزان قرآن دانسته‌اند که برای بشر فرود آمده است.^{۶۴}

۳.۶. سوره رعد: در آیات دوازده و سیزده سخنانی درباره رعد و برق و صاعقه آمده و از این پدیده‌های طبیعی به عنوان مظهري از قدرت و رحمت خداوند یاد شده است. این امور هم در مسیر کلی سوره که عبارت است از توحید و خلقت و بعثت و راه و بیراهه و... بحث می‌کند.^{۶۵}

۷. بعضی دیگر از سور به نام حیوانات و حشرات نام‌گذاری شده‌اند، همچون:

۱.۷. سوره بقره: بقره در لغت عرب به معنی ماده گاو است. این سوره به مناسبت قصه ماده گاو بنی اسرائیل چنین نامی یافته و آن از سرگذشت‌های عبرت آموز قرآن مجید است که فقط همین یک بار و در این سوره ذکر شده است.^{۶۶}

خالد بن معدان این سوره را «فسطاط القرآن» نامیده است و در خبر مرفوعی در مسند فردوس این روایت را بازگو کرده است و این نام به جهت عظمت این سوره است. همچنین از دیگر علت‌های نامیدن این سوره به وجود احکامی است که سایر سوره‌ها نیامده است. در خبر مستدرک این سوره «سنام القرآن» نامیده شده است و سنام هر چیزی، رکن مُعظم آن چیز است.^{۶۷}

۲.۷. سوره نمل: در این سوره خداوند به داستان حضرت سلیمان و گذشتن ایشان همراه با سپاهیان از وادی مورچگان اشاره می‌کند و اینکه حضرت، صدای حیوانات را می‌شنیدند. این سوره تنها سوره‌ای است که در آن لفظ نمل (مورچه) به کار رفته است و علت نام‌گذاری به این لفظ هم همین است. به سوره نمل، سوره «سلیمان» نیز می‌گویند.^{۶۸}

۳.۷. سوره نحل: تنها سوره‌ای است که در آن از زنبور عسل - این حشره مفید با زندگی شگفت آور - سخن به میان آمده است،^{۶۹} قتاده گوید: این سوره را «نعم» نیز نامیده‌اند. ابن ابوحاتم این خبر را بازگو کرده است. ابن غرس گوید: علت آن این است که خداوند تعالی در این سوره نیکی‌های خود را بر بندگان خود برشمرده است.^{۷۰}

۴.۷. **سوره فیل:** همان‌گونه که پیش از این اشاره نمودیم خداوند در این سوره به بیان داستان فیل سواران ابرهه که قصد ویران کردن خانه کعبه را داشتند می‌پردازد و سرنوشت آنها مبنی بر اینکه خداوند آنها را نابود می‌کند و تمام نقشه‌هایشان را از بین می‌برد در این سوره مطرح می‌شود و چون سوره راجع به فیل سواران ابرهه است به نام فیل خوانده شده است.

۸. بعضی دیگر از سوره‌های قرآن‌کریم به نام روز رستاخیز و اوصافش نامیده شده است، از آن جمله است:

۴۹

۱.۸. **سوره واقعه:** که به معنی حادثه و پیش آمد است و از آنجا که در این سوره خداوند به توصیف قیامت و صحنه‌هایش می‌پردازد و احوال مردمان را در آن روز بازگو می‌کند به این نام نامیده شده است.

۲.۸. **سوره جاثیه:** جاثیه به معنی به زانو افتاده است، در این سوره نیز پس از بیان مطالبی راجع به انسان و کفار به صحنه قیامت می‌پردازد و بیان می‌دارد که در آن روز تمام امت‌ها و مردم به زانو درافتاده‌اند، نام این سوره نیز از همین قسمت سوره که مربوط به به زانو افتادن امت‌هاست مأخوذ است. به این سوره، سوره «شریعه» و «دهر» نیز گفته‌اند.^{۷۱}

۳.۸. **سوره تغابن:** تغابن به معنی حسرت و خسران است. روز تغابن یکی از نام‌های روز قیامت است که در آیه نه آمده است؛ چرا که در قیامت، انسانها از اینکه برای حیات ابدی آن جهان چندان کاری نکرده و عمل صالحی ذخیره نکرده‌اند و یا گناه و معصیت و فساد به همراه آورده‌اند، احساس ضرر و خسران می‌کنند و حسرت و افسوس می‌خورند،^{۷۲} در این سوره نیز چون خداوند احوال بدکاران و کافران را در قیامت که از اعمال خود در دنیا پشیمان هستند و در روز قیامت دچار خسران و زیان شده‌اند بیان می‌کند به این عنوان نامیده شده است.

اکنون برخی از سوره‌ها را که در این دسته‌بندی‌ها جای نمی‌گیرند مطرح می‌کنیم:

سوره حمد: یکی از مهم‌ترین و بافضیلت‌ترین سوره‌های قرآن کریم که اولین سوره این کتاب عظیم نیز هست سوره مبارکه حمد است که به نام‌های مختلفی شناخته می‌شود و قریب به ۲۰ اسم دارد، این تعدد نام دلالت بر فضیلت هرچه بیشتر این سوره مبارک دارد، ما در این مقاله مختصر ابتدا تمام اسامی این سوره را یادآور می‌شویم و سپس به منظور اختصار، به بیان وجه تسمیه برخی از مهم‌ترین اسامی این سوره بافضیلت قرآنی می‌پردازیم:

نام‌های سوره حمد: أم القرآن، أم الكتاب، حمد، سبع المثانی، الفاتحة، فاتحة الكتاب، اساس، تحرز، حمد اول، دعاء، سؤال، شافية، شفاء، شکر، صلاة، عبادت، تعليم المسألة، استعانت، فاتحة القرآن، تفویض، القرآن العظیم، استقامة، كافیة، كنز، منة، مناجات، انعام، نور، وافیه، هداية.^{۷۳} این‌ها تمام اسامی سوره حمد بود و ما به بررسی مهم‌ترینشان می‌پردازیم:

۱. **فاتحة الكتاب:** در مورد علت این نام‌گذاری میان علما اختلاف نظر است، عده‌ای معتقدند که حمد به مناسبت اینکه در اول قرآن گذاشته شده فاتحة الكتاب نامیده می‌شود،^{۷۴} بعضی دیگر بر این باورند که چون قرآن از آن شروع می‌شود و نیز آغاز قرائت قرآن است بدین جهت فاتحة خوانده شد.^{۷۵} عده‌ای هم بر این عقیده‌اند که از این جهت به این سوره فاتحة الكتاب می‌گویند که قرآن و نماز به آن آغاز می‌شود و در آموختن هم افتتاح به آن می‌کنند، جماعتی گویند: چون سوره فاتحة الكتاب اولین سوره‌ای است که نازل شده، لذا به آن فاتحة الكتاب نامیده‌اند، عده‌ای دیگر می‌گویند: این سوره، اولین سوره‌ای است که در لوح محفوظ نوشته شد، جماعتی گفته‌اند: چون حمد آغاز هر کلامی است، لذا این سوره را فاتحة الكتاب نامیده‌اند.^{۷۶}

۲. **أمّ الكتاب:** این نام نیز همچون فاتحة الكتاب از جمله مهم‌ترین نام‌های سوره حمد است و بر علت نام‌گذاری اش اختلاف نظر وجود دارد: عده‌ای معتقدند چون بر سایر سوره‌ها مقدم است و عرب به هر چیزی که جامع یا مقدم بر چیزهای دیگری که تابع آن هستند باشد أم می‌گویند مانند أم الرأسه پوستی که حاوی مغز است و أم القرى به مکه چون زمین از آن نقطه گسترده شد و

نسبت به همه آنها «أم» است یا از نظر شرافت و برتری آن بر شهرها و مکان‌های دیگر أم القری گفته شده‌است. بعضی می‌گویند: سوره حمد را بدین جهت أم الکتاب خواندند که اصل قرآن است و منظور از اصل بودن حمد این است که همه قرآن و مطالبی که در مجموع سوره‌ها است مانند اثبات خدا و وجوب بندگی که هدف‌های عالی قرآنند در این سوره بیان شده‌است^{۷۷}، عده‌ای گویند علت این است که در کتابت قرآن، آغاز به این سوره شده و در نماز هم سوره حمد را قبل از سوره می‌خوانند، ماوردی گوید: این سوره را بدین جهت «أم الکتاب» گفته‌اند که ابتدای قرآن با آن شروع می‌شود و سپس سوره‌های دیگر بعد از آن می‌آید، لذا از لحاظ تقدم بر سوره‌های دیگر، آن را أم الکتاب نامیده‌اند و ما می‌بینیم که به پرچم جنگ «أم» می‌گویند، چون پرچم پیشاپیش افراد است و لشکریان در پی آن حرکت می‌کنند، جماعتی گفته‌اند: علت اینکه این سوره را «أم الکتاب» نامیده‌اند برای این است که این سوره افضل و برترین سوره‌های قرآن است، همانطور که به رئیس قوم «أم القوم» می‌گویند. عده‌ای می‌گویند: علت آن است که حرمت این سوره مانند حرمت تمام قرآن است. جماعتی گفته‌اند: چون این سوره پناهگاه اهل ایمان است، لذا به آن أم الکتاب گفته‌اند، چنانکه پرچم پناهگاه لشکریان است، لذا به آن «أم» گویند. عده‌ای برآنند، چون تمام این سوره محکم است، لذا محکمت را «أم الکتاب» نامند،^{۷۸} تمام سوره‌های محکم را أم الکتاب می‌نامند.

۳. سبع المثانی: السبع: چون این سوره به اتفاق همه دارای هفت آیه است. مثانی: در اینکه چرا به این نام خوانده شده دو وجه گفته‌اند: اول: در هر نماز واجب یا مستحب دو بار خوانده می‌شود. دوم: دو بار نازل شد،^{۷۹} عده‌ای گویند: چون این سوره هفت آیه دارد و هر آیه متضمن یک ادب است، لذا آن را سبع المثانی نامیده‌اند، عده‌ای گویند: چون این سوره بر دو گونه، یکی ثناء و دیگر دعاء نازل شده است، لذا آن را المثانی نامیده‌اند.^{۸۰}

درباره ریشه کلمه المثانی اختلاف نظر است: احتمال دارد که این کلمه مشتق از «ثناء» باشد و چون این سوره ستایش حق تعالی است لذا آن را مثانی گویند. همچنین احتمال دارد این کلمه

مشتق از «الثنیاء» (استثناء) باشد؛ زیرا این سوره، به طور استثنایی برای این امت نازل شده است. ممکن است این کلمه از «ثنیه» باشد؛ زیرا در هر نمازی دو بار خوانده می‌شود.^{۸۱}

۴. وافیة: شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان براین باور است که چون تمام آن باید در نماز خوانده شود، به این نام خوانده می‌شود؛^{۸۲} سفیان بن عیینة این سوره را وافیة خوانده است؛ زیرا تمام معانی که در قرآن آمده به طور کامل در این سوره هست، ثعلبی گوید: از این جهت این سوره را وافیة نامند که اگر نصف از هر سوره‌ای را در رکعت اول نماز و قسمتی دیگر را در رکعت دوم بخوانند، جایز است؛ لیکن نصف این سوره را در یک رکعت نمی‌توان خواند، بلکه باید تمام آن را بخوانند.^{۸۳}

۵. کافیة: عده‌ای معتقدند علت آن است که در نماز فقط سوره فاتحه را باید قرائت کرد و اگر سوره دیگری بخوانند، کافی نیست^{۸۴}، عده‌ای دیگر هم براین باورند که به این نام نامیده شده است؛ زیرا حمد می‌تواند جای سوره دیگر را بگیرد؛ اما در نماز هیچ سوره‌ای نمی‌تواند جانشین حمد گردد، مؤید این مطلب است آنچه عبادة بن ثابت از نبی اکرم نقل می‌کند است که فرمود: أم القرآن (حمد) عوض از خودش می‌شود؛ ولی سوره‌های دیگر عوض آن نمی‌شوند.^{۸۵} علاوه بر این‌ها نام‌های بسیار دیگری و همچنین علت نام‌گذاری آنها نیز برای این سوره بیان شده است که در این مجال فرصتی برای بیان همه آنها نیست.

سوره احزاب: تنها سوره‌ای است که در آن به واقعه احزاب اشاره شده است، یعنی جنگ خندق که گروه‌های مشرک مکه و یهود به راه انداختند.^{۸۶}

سوره براءة: بنا به اعلان براءة و بیزاری نسبت به مشرکین پیمان شکن^{۸۷}، به این نام نامیده شده است. این سوره، «سوره توبه» هم نامیده شده؛ چون خداوند در این سوره فرموده است: ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَىٰ النَّبِيِّ﴾ (توبه: ۱۱۸) و همچنین به این سوره، «سوره فاضحه» (رسواکننده) هم گفته‌اند،^{۸۸} در این سوره، مفصلاً درباره منافقین بحث شده است و مشت آنان را در رابطه با مسائل

مبارزاتی و اقتصادی باز کرده است به همین جهت نام دیگرش «فاضحه» یعنی رسوا کننده است.^{۸۹}

حاکم در مستدرک از حدیثه روایتی بازگو کرده که حدیثه گفت: ما این سوره را سوره توبه و سوره عذاب نامیدیم. ابوشیخ از سعید بن جبیر، خبری روایت می‌کند که سعید بن جبیر گفت: هر زمان به عمر بن خطاب می‌گفتند: سوره براءة یا سوره توبه، ایشان می‌گفتند: این سوره به عذاب نزدیک‌تر است، از مردم جدا نمی‌شود، تا اینکه از آنان کسی باقی نماند. همچنین این سوره را «سوره مقشقه» گفته‌اند.^{۹۰} مقشقه به معنی بیزارکننده از دورویی است بر مبنای همین معنی به عنوان نامی برای سوره توبه نهاده شده است.

نتیجه

قرآن کریم، برترین و کاملترین کتاب آسمانی نازل شده از سوی خداوند است که جزء به جزء اش مشتمل بر اعجاز و زیبایی است. از مهم‌ترین اجزاء قرآن کریم سوره است، هر سوره مشتمل بر نام و یا نام‌هایی است که انتخاب این نام‌ها نیز توفیقی هستند، یعنی از جانب خداوند و حضرت رسول برگزیده شده‌اند. تمام سور قرآنی با نام‌هایشان ارتباط معنایی مستقیمی دارند و به گونه‌ای است که بر اساس نام سوره می‌توان به محتوای سوره پی‌برد و دانست که اصل سخن خداوند در این سوره چیست؛ چرا که هر سوره بر اساس مناسبتی خاص انتخاب و گزیده شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، صص ۲ و ۳.
۲. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۱.
۳. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، ص ۵.
۴. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۱۳.
۵. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، ص ۳۰.
۶. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۹۰.
۷. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، صص ۳۰ و ۳۱.
۸. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۲.
۹. همان.
۱۰. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، ص ۳۱.
۱۱. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۹۰.
۱۲. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، ص ۳۱.
۱۳. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۹۰.
۱۴. حجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۴.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۵.
۱۶. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، صص ۳۲ و ۳۳.
۱۷. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۹۱.
۱۸. همان، صص ۹۱ و ۹۲.
۱۹. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.
۲۰. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، ص ۱.
۲۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۵۷۷.
۲۲. حجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۸۳.
۲۳. همان.
۲۴. همان.

۲۵. همان، ص ۸۴.
۲۶. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، ص ۸۴.
۲۷. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۵۷۸.
۲۸. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، ص ۱۲۶.
۲۹. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۷۰.
۳۰. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، صص ۱۲۷ و ۱۲۸.
۳۱. همان، ص ۱۲۹.
۳۲. همان، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.
۳۳. همان، ص ۱۳۰.
۳۴. همان، ص ۱۳۱.
۳۵. همان، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.
۳۶. همان، ص ۱۲۶.
۳۷. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۱۰۳.
۳۸. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۷۰.
۳۹. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۱۰۴.
۴۰. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، ص ۱۰۰.
۴۱. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۳۱۴.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۷۵.
۴۳. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۴۳.
۴۴. همان، ص ۵۵.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۲۸.
۴۶. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۵۵.
۴۷. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۱۹۶.
۴۸. همان، ص ۱۰۴.
۴۹. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۵۵.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۳۱.

۵۱. همان، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.
۵۲. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۸۶.
۵۳. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، ص ۸۸.
۵۴. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۶۳.
۵۵. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۷۱.
۵۶. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۵۱.
۵۷. همان، ص ۴۲.
۵۸. همان، ص ۳۰.
۵۹. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۴.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، صص ۳۶۹ و ۳۷۰.
۶۱. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۶.
۶۲. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۱۰۵.
۶۳. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، ج ۱۸، ص ۳۷۱.
۶۴. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۶۷.
۶۵. همان، ص ۳۸.
۶۶. المیبیدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱۰، صص ۲۲۹ و ۲۳۰.
۶۷. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۴.
۶۸. همان، ص ۱۹۶.
۶۹. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۱۰۳.
۷۰. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۶.
۷۱. همان، ص ۱۹۷.
۷۲. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۷۵.
۷۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۵۸۳.
۷۴. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع، ص ۱۴۷.
۷۵. طبرسی، شیخ ابو علی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳.

۷۶. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۱۹۰ و ۱۹۱.

۷۷. طبرسی، شیخ ابو علی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳.

۷۸. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۱۹۱ و ۱۹۲.

۷۹. طبرسی، شیخ ابو علی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳.

۸۰. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، صص ۱۹۲ و ۱۹۳.

۸۱. همان.

۸۲. طبرسی، شیخ ابو علی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳.

۸۳. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، ص ۱۹۳.

۸۴. همان.

۸۵. طبرسی، شیخ ابو علی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، صص ۳۳ و ۳۴.

۸۶. همان، ص ۱۰۴.

۸۷. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۳۶.

۸۸. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۵.

۸۹. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، ص ۳۶.

۹۰. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۵.

منابع:

قرآن کریم

۱. حاجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.

۲. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوم، پائیز ۱۳۸۶.

۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۴۶.

۴. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹.
۵. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، جلد ۱، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت - لبنان: دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۴۹.
۶. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، دائرة المعارف قرآن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، جلد اول، مترجم: محمد جعفر اسلامی، تهران: بنیاد علوم اسلامی، بهار ۱۳۶۲.
۷. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دهم، بهار ۱۳۷۹.
۸. طبرسی، شیخ ابو علی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، جلد ۱، مترجم: حاج شیخ حسین نوری، تهران: انتشارات فراهانی، بی تا.
۹. محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ ششم، اردیبهشت ۱۳۷۱.
۱۰. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، مترجم: احمد آرام، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۱. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ هشتم، پاییز ۱۳۸۵.
۱۲. _____، التمهید فی علوم القرآن، جلد ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱۲، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۵.
۱۴. _____، تفسیر نمونه، جلد ۱۳، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۵.
۱۵. _____، تفسیر نمونه، جلد ۲۶، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۵.
۱۶. المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، جلد ۱۰، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۳۱-۱۳۳۹.
۱۷. نور موسوی لنگرودی، سید جواد، آشنایی با قرآن، قم: انتشارات حدیث نینوا، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۷.